

## نقاط تأثیرگذاری باورهای ایرانی بر دین یهود از مسیر مکاشفه‌گرایی<sup>۱</sup>

ابوالقاسم پیاده کوهسار<sup>۲</sup>  
a.Koohsar@yahoo.com

### چکیده

بحث تأثیرپذیری ادیان از یکدیگر همواره از موضوعات مورد توجه دین‌پژوهان بوده است. در این میان، برخی از دین‌شناسان و تاریخ‌دانان ادیان، باورهای ایرانی را سرچشمه بسیاری از اینگونه تأثیرات به شمار آورده‌اند. یکی از نظریه‌های مهم این گروه از دانشمندان باور به تأثیرگذاری باورهای ایرانی بر دین یهود، و از آن طریق بر دو دین مسیحیت و اسلام است. درحالیکه بسیاری از پژوهشگران برای چنین نظری شواهد و قرائن متعددی ذکر می‌کنند، برخی دیگر چنین نظری را نپذیرفته‌اند و به دنبال یافتن سرچشمه‌های دیگری برای باورهای موجود در دین‌هایی نظیر یهودیت و مسیحیت‌اند. یکی از گونه‌های مهم ادبیات دینی یهودی و مسیحی ادبیات مکاشفه‌ای است. این ادبیات که آغاز پیدایش آن به دوره معبد دوم باز می‌گردد، مفاهیم و آموزه‌های جالب توجه و در عین حال نویی را در خود دارد. برخی از این آموزه‌ها را می‌توان بیش و کم در کتاب مقدس و سنت دینی یهودی-مسیحی پیدا کرد، اما برخی از آنها یا به کلی جدیداند و یا به مراتب نسبت به خاستگاه‌های کتاب مقدسی خود تغییر یافته‌اند. برای نمونه می‌توان به آموزه‌هایی چون طرحی برای تاریخ، منجی‌گرایی، پیروزی نهایی خیر بر شر، آخرت‌شناسی، داوری و رستاخیز، فرشته‌شناسی، شهود خداوند، ثنویت و ... اشاره کرد. با توجه به آنکه چنین آموزه‌هایی همزمان با تعاملات یهودیان با ایرانیان در دین یهود ظهور کرده‌اند، امکان آنکه باورهای ایرانی زمینه پیدایش چنین آموزه‌هایی بوده باشند، وجود دارد. مقاله پیش رو با بررسی مهم‌ترین اصول و آموزه‌های این گونه ادبی، به تأثیرپذیری این بخش از دین یهود از باورهای ایرانی پرداخته است.

### کلید واژه‌ها

مکاشفه، یهودیت، دین ایرانی، منجی‌گرایی، ادبیات مکاشفه‌ای، آخرت‌شناسی.

۱. تاریخ وصول: ۸۹/۳/۲۱؛ تاریخ تصویب: ۸۹/۵/۲۵.

۲. عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شاهرود

## مکاشفه‌ها<sup>۱</sup>

در سنت دینی یهودی- مسیحی علاوه بر کتاب‌های قانونی رسمی و مورد قبول، مجموعه‌های دیگری از نوشته‌های دینی وجود دارد که شماری از آنها به عنوان کتاب‌هایی با درجه اعتبار ثانویه پذیرفته شده‌اند و برخی از آنها نیز توسط هیچ یک از شاخه‌های رسمی یهودی و مسیحی به عنوان کتاب‌های قانونی در نظر گرفته نشده‌اند. در این میان هجده کتاب که در نسخه یونانی عهد عتیق و ترجمه‌های لاتینی آن از جمله ولگات وجود داشته، اما در نسخه عبری عهد عتیق یافت نمی‌شود، از نظر کاتولیک‌ها و ارتودکس‌ها به عنوان کتاب‌های قانونی رسمی با درجه اعتبار ثانویه به شمار می‌آیند. اما یهودیان و پروتستان‌ها که نسخه عبری عهد قدیم را به کار می‌برند، این کتاب‌ها را قانونی نمی‌دانند و به آنها عنوان اپوکریفا<sup>۲</sup> داده‌اند. اپوکریفا در اصل یونانی به معنای «مخفی و پوشیده» است، اما در انگلیسی رایج به معنای «آنچه کنار گذاشته می‌شود» به کار می‌رود. به غیر از این آثار، کتاب‌های دیگری هم هستند که هیچ یک از گروه‌ها در این سنت دینی، آنها را قانونی نمی‌دانند و در هیچ نسخه‌ای از کتاب مقدس موجود نیستند. این کتاب‌ها با عنوان «سودیگرافا»<sup>۳</sup> شناخته می‌شوند. کاتولیک‌ها و ارتودکس‌ها که عنوان اپوکریفا را برای هجده کتاب قبلی نمی‌پذیرند، به این مجموعه عنوان اپوکریفا می‌دهند. سودپیگرافا به کتاب‌هایی اطلاق می‌شود که نویسنده یا نویسندگان واقعی آنها شناخته شده نیستند، بلکه به شخصیت‌های بزرگ شناخته شده و مشهور قدیمی منسوب‌اند. از آنجا که بیشتر این آثار در فاصله سال‌های ۲۵۰ قبل از میلاد تا ۲۵۰ میلادی، یعنی حدوداً در فاصله میان تدوین نهایی عهد عتیق و نگارش عهد جدید به نگارش در آمده‌اند، با عنوان «ادبیات بین‌العهدی»<sup>۴</sup> نیز خوانده می‌شوند.<sup>۵</sup>

1. Apocalypses
2. Apocrypha
3. Pseudepigrapha
4. Intertestamental Literature
5. Grintz, Yehushua M., "Apocrypha and Pseudepigrapha", *Encyclopedia Judaica*, Second Edition, vol. 2, p. 259.

درباره شمار این کتابها اتفاق نظر وجود ندارد، با وجود این می‌توان ۵۲ اثر را در فهرست این مجموعه جای داد. این ۵۲ کتاب، به تناسب موضوع غالب هر اثر به پنج گروه تقسیم می‌شوند که عبارتند از: ۱- اپوکالیپسها یا مکاشفات، یعنی آثار مربوط به موضوع مکاشفه (۱۹ کتاب). ۲- وصیتها (۸ کتاب) ۳- گسترش داستانهای عهد عتیق و دیگر داستانها (۱۳ کتاب) ۴- آثار حکمت آمیز و فلسفی (۵ کتاب) ۵- دعاها، مزامیر و غزلها (۷ کتاب). کتابهای اپوکالیپتیک یا مکاشفه‌ای مجموعه سودپیگرافا عبارتند از:

۱- کتاب اول اخنوخ (مکاشفه اخنوخ به زبان حبشی)<sup>۱</sup>

۲- کتاب دوم اخنوخ (مکاشفه اخنوخ به زبان اسلاوی)<sup>۲</sup>

۳- کتاب سوم اخنوخ (مکاشفه اخنوخ به زبان عبری)<sup>۳</sup>

۴- پیشگویی‌های سیبلی<sup>۴</sup>

۵- رساله سام<sup>۵</sup>

۶- مجعول (اپوکریفای) حزقیال<sup>۶</sup>

۷- مکاشفه صفینیا<sup>۷</sup>

۸- کتاب چهارم عزرا<sup>۸</sup>

۹- مکاشفه یونانی عزرا<sup>۹</sup>

۱۰- رویای عزرا<sup>۱۰</sup>

۱۱- مسائل عزرا<sup>۱۱</sup>

۱۲- وحی عزرا<sup>۱۲</sup>

1. Ethiopic Apocalypse of Enoch (1 Enoch)
2. Slavonic Apocalypse of Enoch (2 Enoch)
3. Hebrew Apocalypse of Enoch (3 Enoch)
4. Sibylline Oracles
5. Treatise of Shem
6. Apocryphon of Ezekiel
7. Apocalypse of Zephaniah
8. Fourth Book of Ezra (4 Ezra)
9. The Greek Apocalypse of Ezra
10. Vision of Ezra
11. Questions of Ezra
12. Revelation of Ezra

- ۱۳- مکاشفه شدراک<sup>۱</sup>
- ۱۴- کتاب دوم باروخ ( مکاشفه باروخ به زبان سریانی)<sup>۲</sup>
- ۱۵- کتاب سوم باروخ ( مکاشفه باروخ به زبان یونانی)<sup>۳</sup>
- ۱۶- مکاشفه ابراهیم<sup>۴</sup>
- ۱۷- مکاشفه آدم<sup>۵</sup>
- ۱۸- مکاشفه ایلیا<sup>۶</sup> ( الیاس)
- ۱۹- مکاشفه دانیال<sup>۷</sup>

مکاشفه ترجمه اپوکلیپس (برگرفته از اپوکالپسیس<sup>۸</sup> یونانی به معنای «وحی»، آشکار شدن، برملا کردن، پرده برداشتن، مکشوف ساختن)، و اصطلاحی است که به ادبیات یهودی که بعد از انقطاع نبوت به ظهور رسید و نوشته‌های مسیحی که از این آثار نشأت گرفتند، اشاره دارد. مهم ترین هدف نوشته‌های مکاشفه‌ای — چنان که از نام این گونه ادبی بر می‌آید — آشکار کردن رازهایی است که فراتر از مرزهای دانش و شناخت عادی‌اند، که از آن جمله می‌توان به اینها اشاره کرد: ماهیت نظام‌های آسمانی و نظم کیهان، نام، مراتب و وظایف فرشتگان، تبیین دلایل و منشأ پدیده‌های طبیعی و رازهای آفرینش، کشف دلایل مصائب و گرفتاری‌های قوم خداوند و سرنوشت آنها، آگاهی از رویدادهای گذشته و آینده جهان، پایان جهان و حوادث آخرالزمان و سایر مسائل فرجام‌شناختی، رستاخیز، بهشت و دوزخ و سرنوشت روان پس از مرگ و حتی جایگاه الوهیت و ماهیت خود خداوند<sup>۹</sup>.

1. Apocalypse of Sedrach
2. Syriac Apocalypse of Baruch (2 Baruch)
3. Greek Apocalypse of Baruch (3 Baruch)
4. Apocalypse of Abraham
5. Apocalypse of Adam
6. Apocalypse of Elijah
7. Apocalypse of Daniel
8. *ποκαλυψις*
9. Flusser, David, "Apocalypse", *Encyclopedia Judaica*, Vol. 2, p. 257.

مکاشفات یهودی بنابر نوع روایی آنها به دو دسته کلی قابل تقسیم‌اند: گروهی از این آثار که از شهرت بیشتری برخورداراند و می‌توان آنها را با عنوان «مکاشفه‌های تاریخی»<sup>۱</sup> توصیف کرد. این آثار، روایت‌گر مکاشفاتی هستند که به صورت شهودها و یا خواب‌هایی مملو از نمادگرایی‌های پیچیده بر مکاشفه‌گر عیان شده‌اند و سپس فرشته یا فرشتگانی به عنوان میانجی الوهی و مطلع از حکمت و مفهوم آن نمادها، معانی پنهان و پوشیده آن رویاها را برای مکاشفه‌گر شرح کرده‌اند. محتوای این دسته از مکاشفات، اساساً تاریخی است و معمولاً به صورت نبوت و پیشگویی‌های مفصل ارائه می‌شود. این مکاشفه‌ها اغلب از بحران‌های سیاسی تاریخ بنی اسرائیل نشات می‌گیرند، چنانکه کتاب دانیال و برخی از قسمت‌های اخنوخ حبشی در واکنش به آزار و شکنجه یهودیان در زمان آنتیوخوس اپیفانس که منجر به قیام مکابیان (ح. ۱۶۸ ق م) شد، نوشته شدند. مکاشفه عزرا (۴ عزرا) و کتاب دوم باروخ هم در نتیجه جنگ با امپراطوری روم و تخریب معبد (۷۰ م) نوشته شدند.<sup>۲</sup> با این وصف، باور به تقدیرگرایی، مرحله‌ای سازی تاریخ، باور به یک طرح و نقشه الهی برای تاریخ، باور به تقسیم بندی آفرینش خدا به «جهان فعلی» و «جهانی که خواهد آمد» و «مسیحا گرایی» از مهمترین ویژگی‌های این نوع از مکاشفه‌های یهودی به شمار می‌آیند.

نوع دوم مکاشفات یهودی، اصطلاحاً «سفر به عوالم دیگر»<sup>۳</sup> خوانده می‌شود. ویژگی اصلی آثاری که در این گروه از مکاشفات قرار می‌گیرند، عروج و صعود مکاشفه‌گر به آسمان‌ها، و تجربه و مشاهده شماری از آسمان‌ها و موجودات ساکن در آنهاست. تعداد متعارف آسمان‌ها هفت است، اما گاهی به سه آسمان (عهد لاوی) یا پنج آسمان (مکاشفه یونانی باروخ) هم اشاره می‌شود.<sup>۴</sup> به نظر می‌رسد که این نوع از مکاشفات که روایتگر عروج به عوالم دیگرند بیشتر ریشه در گرایش‌های عرفانی دارند تا بحران‌های سیاسی و تاریخی. این مسأله با توجه به موضوعاتی که این مکاشفات بر آنها تأکید می‌ورزند، تأیید

1. Historical Apocalypses
2. Collins, John J., "Apocalypse, An Overview", *Encyclopedia of Religion*, M. Eliade (ed.), New York, Macmillan, 1987, vol. 1, p. 334; Cohn, N., *Cosmos, Chaos and the World to Come, The Ancient Roots of Apocalyptic Faith*, Yale University Press, 1993, p. 166.
3. Other- Worldly Journey
4. Collins, J. J., "Apocalypse, An Overview", vol.1, p.334.

می‌شود. مهمترین جهت‌گیری عرفانی این مکاشفات توصیفاتی است که از تجربه مکاشفه‌گر از عرش (مرکبه) خداوند عرضه می‌کنند. فرشته‌شناسی<sup>۱</sup> یکی از مفصل‌ترین مواردی است که در این آثار با آن مواجه می‌شویم. فرجام‌شناسی نیز موضوع دیگری است که در این آثار به چشم می‌خورد، اما این نه از سنخ فرجام‌شناسی آثار دسته نخست، بلکه به تعبیر درست‌تر، از گونه آخرت‌شناسی است. این روایت‌ها بیشتر از سرنوشت روان پس از مرگ خبر می‌دهند و روایتگر مشاهدات مکاشفه‌گران از انواع طبقات بهشت و دوزخ، و عذاب‌ها و نعمت‌هایی هستند که در هر کدام از آنها برای نیکوکاران و گناهکاران در نظر گرفته شده است. بنابراین، باور به رستاخیز، نقش مهمی در این آثار بازی می‌کند. با این همه، فرجام‌شناسی در این گونه، با توصیفاتی که گاهی از «مسیحا» و «پیروزی نهایی خیر بر شر» ارائه می‌کند، به فرجام‌شناسی مکاشفات تاریخی متمایل می‌شود. مسیح‌شناسی این آثار و باور به پیروزی خیر و صالحان بر شر (گناهکاران، ستمگران و حکومت‌های ظالم جهان)، یکی از نقاط اشتراک آنها با مکاشفات تاریخی در باور به «طرح خداوند برای جهان» و در نتیجه، باور به تقدیرگرایی است.

### مهم‌ترین آموزه‌های مکاشفه‌ای موجود در مکاشفات عهد عتیق

بررسی و مطالعه مکاشفات عهد عتیق و مقایسه آنها با کتاب مقدس و سنت یهودی به نتایج جالب توجهی می‌انجامد. مکاشفات، به ویژه در نوع عروجی خود، الگوی یکسانی دارند که با کشف آن می‌توان ریخت‌شناسی منسجمی از آنها ارائه کرد. یکی از اجزای این ریخت‌شناسی آموزه‌های مشترکی است که در این مکاشفات وجود دارند. این آموزه‌ها از سویی می‌توانند پایه‌گذار مکاشفه‌گرایی به شمار آیند. دیگر آن که آموزه‌ها و اصول اعتقادی مکاشفات در مواردی کاملاً نو، و در مواردی بسیار دور از باورهای کتاب مقدس اند. در پرسش از این که چرا مکاشفات چنین اصولی دارند و تحت تأثیر چه عاملی به ارائه آموزه‌های نوین دینی یا گاهی مبتدعانه دست زده‌اند، می‌توان به تأثیرگذاری باورهای بیگانه بر نویسندگان مکاشفات اشاره نمود.

مهم‌ترین مسأله‌ای که ذهن یهودیان در دورهٔ معبد دوم<sup>۱</sup> را به خود مشغول می‌داشت، دلیل مصائبی بود که برایشان روی داده بود. بنی اسرائیل قوم برگزیدهٔ خداوند بودند و او با پدرانشان عهد کرده بود که آنان را یاور و پشتیبان باشد و بر تمام اقوام برتری دهد.<sup>۲</sup> اما تاریخ به گونه‌ای دیگر رقم خورده بود و بزرگترین مصیبت ممکن بر آنان وارد شده بود. آنان در جنگ با بابل به شدت شکست خوردند و معبد مقدسشان ویران شد و اشیای مقدس آن به غارت رفت و خودشان به اسارت به بابل برده شدند و در آنجا، در میان توهین و تحقیر بیگانگان زندگی کردند. پس از بابل هم آنان همچنان مغلوب قدرت‌های بزرگی همچون ایران و یونان بودند. یهودیان در چنین شرایطی همواره از خود دربارهٔ عدل الهی، سرنوشت قوم خداوند و علت رنج‌هایشان سوال می‌کردند. انبیاء به صراحت، وضعیت قوم را در همهٔ ادوار، متأثر از نوع عملکرد آنان و میزان پایبندی‌شان به شریعت الهی می‌دانستند و بی‌ایمانی و شرک آنان را علت اصلی چنین مجازات‌هایی به شمار می‌آوردند. آنها به قوم خود نوید می‌دادند که بازگشت به ایمان محکم و راستین پیشینیان، شرایط را به نفع آنان تغییر خواهد داد. اما ظاهراً موعظه‌های انبیاء کتاب مقدس نیز چندان قدرت تسکین آلام قوم و امیدبخشی به آنان را نداشت. یهودیان در کتاب مقدس خود و در سخنان انبیاء آنچه را که برای ادامهٔ یک زندگی فعالانه و امیدوارانه در چنین شرایط مصیبت‌باری لازم بود، پیدا نمی‌کردند. درست در این هنگام بود که کسانی با آگاهی از آنچه در پیرامونشان می‌گذشت، به فکر ارائهٔ پاسخ‌های قانع‌کننده‌تری افتادند. تعامل طولانی آنان با فرهنگ‌های ریشه‌داری چون ایران و یونان، راه‌هایی را به آنان نشان داده بود. پیامد کوشش‌های این گروه از نویسندگان، نوعی از ادبیات موسوم به مکاشفه بود. ظاهراً مکاشفه‌نویس‌ها به سراغ باورهای موجود در میان فرهنگ‌های همسایگان خود رفتند و هر کجا که آموزه‌ای قابل وام‌گیری و بومی‌سازی یافتند، آن را وارد باورهای خود نمودند. آنها برای آن که این پاسخ‌های قانع‌کننده و آرام‌بخش را به مخاطبان یهودی خود بقبولانند، مجبور بودند تا آنها را از زبان کسانی جاری سازند که همکیشان‌شان انتظار ارائهٔ چنان باورهایی را از آنان داشتند. بنابراین، انبیاء یا شخصیت‌های کتاب مقدس شروع به نقل تجاربی کردند که در

---

1. Second Temple period  
2. Genesis, 12: 1-3.

واقع همتایانشان در دین‌های دیگری نظیر دین ایرانی از آن سخن گفته بودند. مکاشفه‌نویس‌ها به نحو دلسوزانه‌ای می‌خواستند تا آثارشان به عنوان عباراتی ملهم از خداوند یا حاصل تجربه‌ای اصیل و حقیقی، جدی گرفته شوند. آنها گاهی با این ادعا که خداوند خود این آگاهی‌ها را بر شخصیتی که آن اثر به او منسوب است آشکار کرده و دستور داده تا وقتی که زمان مناسب برای آشکار کردن و نشر آنها فرا برسد مخفی و پنهان بماند به هدف خود دست پیدا می‌کردند. آنها تمام کوشش خود را می‌کردند تا آثارشان کتاب‌هایی اصیل به نظر برسد. در حالیکه برخی از مردم از اصل ماجرا خبر داشتند اما ساده لوحی توده‌ها به تأثیرگذاری آنها کمک می‌کرد. مکاشفه‌گرها ظاهراً نوشته‌های خود را نه تنها مکمل نبوت کتاب مقدسی بلکه حتی برتر از آن به شمار می‌آوردند و خودشان را نه تنها به عنوان جانشینان، بلکه برتر از پیامبران تلقی می‌کردند.<sup>۱</sup> در زیر به تعدادی از مهم‌ترین آموزه‌هایی که مکاشفه‌نویسان یهودی، آنها را برای ورود به نظام باورهای یهودی مناسب دانستند و پاسخ مقبولی به پرسش‌های مردمشان یافتند، پرداخته می‌شود.

## ۱. راز

نخستین مفهوم و شاید اساسی‌ترین آموزه مکاشفات، باور به راز است. مکاشفه‌گرها بر این باورند که در پس واقعیت‌های مطلوب و نامطلوب جهان، حقیقتی نهفته است که آگاهی از آن به بسیاری از پرسش‌ها پاسخ می‌دهد. مکاشفه‌گران یهودی اعتقاد داشتند که کتاب مقدس و انبیاء آن در حالی که آگاهی‌های زیادی در حوزه‌های مختلف در اختیار مردم می‌گذارند، اما از آن حقیقت پنهان بهره‌اندکی دارند. آنان مدعی بودند که در پس تعبیرات کتاب مقدس و سخنانی که خداوند به انبیاء وحی کرده است، حقایقی نهفته که خود آن انبیاء هم آنها را درک نکرده و یا به طور ناقصی درک کرده‌اند. مکاشفه‌گرها، آن طور که از آثارشان بر می‌آید، چندان شیفته مباحث شریعت و کهنانت نیستند. آنها به دنبال حقایق بزرگتری می‌گردند که پنهان بودنشان در طی سالیان متمادی، آنها را تبدیل به «رازهای بزرگ» کرده است.<sup>۲</sup> این همان چیزی است که مکاشفه و مکاشفه‌گران نام خود را از آن می‌گیرند؛ آشکار

1. Cohn, Norman, p.164.

2. Ibid.



شدن رازها. مکاشفه، ترجمهٔ اصطلاح *revelation*، برگرفته از فعل *to reveal*، به معنی آشکار کردن، منکشف ساختن و پرده برداشتن است. مکاشفه به این خاطر مکاشفه نام گرفته که در طی آن خداوند «رازی» را بر کسی منکشف و آشکار می‌سازد. در بالاترین مرتبه، این راز می‌تواند ماهیت خود خداوند باشد، اما گاهی جهت‌های دیگری به خود می‌گیرد.<sup>۱</sup>

در مکاشفات عهد عتیق، برای اشاره به آنچه که بر مکاشفه‌گر آشکار شده و از آن پرده برداشته می‌شود، معادل یونانی میسترینون<sup>۲</sup> به کار می‌رود. همین اصطلاح به شکل *mystery* در زبان انگلیسی امروزه استفاده می‌شود که آن را در فارسی به راز ترجمه می‌کنند. نکته در آنجاست که برخی از پژوهشگران میسترینون را ترجمهٔ یونانی «راز» فارسی می‌دانند و برای این اصطلاح معنا و مفهومی برگرفته از باورهای ایرانی در نظر می‌گیرند که توسط دیگر فرهنگ‌ها به وام گرفته شده است. این اصطلاح در یسنای ۱۲: ۳۴ و ۶: ۵۰ آمده است: نخست به شکل *Razar* (راز + پسوند *-ar*) و بعد به شکل *Razan* (راز + پسوند *-an*) که هر دو کلمه اسم مفرد و خنثی هستند. معنای اصلی این اصطلاح حکم و دستور است، اما در فارسی میانه و نو معنای این اصطلاح دستخوش تغییراتی می‌شود و به معنای «سر»، یعنی چیزی که معنا یا مقصود از آن نهفته و پنهان است، در می‌آید. برای اذهان ایرانی، حکم اورمزد همان طرح اسرارآمیز نجات بخش او در برابر نیروهای اهریمن است. همهٔ آفرینش او، همهٔ آنچه بوده و خواهد بود، تحقق چیزی است که او در آغاز زمان متناهی طرح کرده است. تاریخ، تحقق طرح الهی وی است و آفرینش، تجسم پیش‌نمونه‌های مینویی است که او در آغاز آفریده است. تنها خود اوست که به واسطهٔ خرد همه آگاهش از آنچه روی داده یا در هر نقطه ای از زمان و مکان روی خواهد داد، آگاهی دارد. همهٔ این امور از دیگران پنهان است و خدا اسرار خود را تنها برای کسانی که خود برمی‌گزینند، آشکار می‌سازد.

---

1. Collins, J. J., p.334.

2. *Mysterion*

چنانکه زرتشت، برگزیده اهورا در جریان عروج (همپرسگی) خود به بارگاه امشاسپندان- واسطه و هومنه- از «آنچه خواهد بود و آنچه نخواهد بود» آگاه می‌شود.<sup>۱</sup>

«ای مزدا اهورا، به عنوان اشه، هر آنچه را که به عنوان بهترین برای من در نظر گرفته ای بر من آشکار کن، آنچه را که بتوانم خویش را بدان همراه کنم؛ از آن جا که روان من می‌آید، وقتی که مرا از وهومنه آگاهانندی، آنچه نخواهد بود، و آنچه خواهد بود»<sup>۲ و ۳</sup>

در دین مزدایی آفرینش خداوند از آغاز تا پایان بر اساس طرح نجات بخش الهی خداوند مقدر و از پیش تعیین شده است. تنها اوست که با علم مطلق خود، سیر و معانی وقایع گذشته و آینده را می‌داند که از انسانها پوشیده است. خدا آنها را فقط برای کسانی که خود برمی‌گزینند، مکشوف و آشکار می‌سازد. هدف و معنای خواست خدا و حکم وی پیش از آنکه آن را بر کسی آشکار کند، حتی برای پیامبر او نادانسته و یک سر است. بنابراین، تغییر معنای واژه راز از «حکم» به «سر»، یک تعدیل طبیعی است. بررسی دقیق مفهوم «mystery» در زمینه یهودی- مسیحی آن نشان می‌دهد که این مفهوم در همه وجوه اصلی خود، با کاربرد آن در متون ایرانی یکسان است. حکم اورمزد، همان طرح نجات بخش او برای مبارزه با اهریمن و نیروهای شیطانی او است.

مفهوم میسترین در متون یهودی پسا تبعیدی، از جمله ادبیات قمران، به طور کلی طرح نجات بخش خداوند را مجسم می‌سازد. در آنجا میسترین تقریباً به طور ثابتی به رویدادهای- تاریخی یا فرجام‌شناختی، که توسط خداوند از پیش حکم و مقدر شده‌اند، اشاره دارد. او برخی قسمت‌های طرح خود را فقط برای برگزیدگانش به روش‌های مختلف، گاه بی‌واسطه، و گاه به واسطه روح خود، یا به واسطه فرشته‌ای آشکار و مکشوف می‌سازد. در متون مکاشفه‌ای نیز همین گرایشات گاه و بیگاه در شکل مفصل‌تری خود را

1. Cf. Mojtabai, F., "The Iranian Background of the Judeo-Christian Concept of Raz / Mysterion", *Mehr-o- Dad-o- Bahar*, Tehran, Anjoman Asar va Mafakher, no.1, pp. 364- 370.

۲. یسن ۳۱: ۵

۳. اشارات گات‌ها براساس منابع زیر می‌باشند: *اوستا*، گزارش و پژوهش جلیل دوستخواه، چاپ سیزدهم، تهران، مروارید، دوره دو جلدی، ۱۳۸۷؛

- Humbach Helmut, *The Gathas of Zarathushtra and the Other Old Avestan Texts*, Heidelberg, 1991.

نشان می‌دهند. مکاشفه‌گرها به آسمانها برده می‌شوند و در آنجا اسرار موجودات آسمانی و مخلوقات زمینی به آنها نشان داده می‌شود. همهٔ این رازها بخش‌هایی از این طرح الهی نجات‌اند. هر آنچه اتفاق می‌افتد، بر اساس حکم خداوند جاری می‌شود و اوست که «همه چیز را پیش از آنکه اتفاق بیفتد» می‌داند. رازها از پیش تعیین شده‌اند و بر الواح آسمانی مکتوب‌اند.<sup>۱</sup>

پس راز مفهومی ایرانی است که ریشه در باورهای کیهان‌شناختی ایرانی دارد. در اندیشهٔ دوگانه‌گرای ایرانی، خواه زرتشتی، خواه زروانی یا مانوی، نیروی خیر در برابر شر قرار می‌گیرد. این تقابل که مشهورترین شکل آن تقابل اهورا مزدا و اهریمن است، گریزناپذیر می‌نماید. در این میان، نیروی خیر به سبب داشتن موهبت خرد، به طرح نقشه‌ای برای پیروزی بر رقیب خود می‌پردازد. این نقشه در اصطلاح اوستایی با عنوان راز، یعنی همان راز فارسی مورد اشاره قرار می‌گیرد. طرح و نقشهٔ اهورا مزدا برای نجات هستی خود از تباهی و ویرانی‌های اهریمن و نیروهایش، همان راز است. اما در گذر زمان این اصطلاح برای اشاره به هر آنچه که در ذهن کسی می‌گذرد و از دیگران پوشیده و پنهان است، به کار رفت. یعنی آن که هر چیز پنهان و پوشیده‌ای راز است. امروزه نیز همین مفهوم رایج است. میسترین، معادل راز در همان مفهوم کهن ایرانی و اوستایی خود است، یعنی این اصطلاح یونانی به معنای طرح و نقشهٔ خدا/ یان برای پیروزی بر شر، و نجات جهان و هستی نیک خود از دست اوست.

به نظر می‌رسد زمانی که مکاشفه‌گران آثار خود را تألیف می‌کردند، این اصطلاح با همین معنا و مفهوم رواج داشت و آنها این مفهوم جذاب را که اکنون می‌توانست پاسخگوی بسیاری از پرسش‌های آنان و همکیشانان باشد، درست همچون مفاهیم مستعد دیگری نظیر منجی، بهشت و دوزخ و...، از اندیشه‌های دینی رایج در اطراف خود، در درجهٔ اول از ایرانیان و در درجهٔ دوم از یونانیان وام گرفتند. در مکاشفات، مفهوم راز به بهترین شکل نقش خود را ایفا می‌کند. مکاشفه‌های تاریخی به ویژه با حفظ معنای اصلی راز، بیشترین امیدواری را به مخاطبان یهودی خود در تحقق وعدهٔ خداوند بر نجات قوم خود می‌دهند.

---

1. Mojtabai, F., pp. 364- 370.

بر این اساس، خداوند برای نجات نهایی جهان طرح و نقشه‌ای دارد که بنا به خواست او در حال اجرا شدن است. در مکاشفه‌های تاریخی، رازها رویدادهایی هستند که در «آینده» رخ می‌دهند، آینده‌ای که از ابتدای هستی به واسطه خداوند مشخص گردیده است. قوم برگزیده خداوند گرفتار نیروهای شراند و خداوند برای آنها نقشه‌ای دارد. در این مکاشفات، رازها ماهیت فرجام‌شناختی به خود می‌گیرند و مکاشفه‌گر در شهود خارق‌العاده خود و یا در رؤیاهای نمادینی که به او نمایانده می‌شود، از «آنچه که در فرجام جهان روی می‌دهد» آگاهی می‌یابد. پررنگ‌ترین آموزه‌های آنها اعتقاد به منجی، ادوار تاریخی و داوری خداوند بود. در مکاشفات عروجی، رازها به عوالم آسمانی منتقل می‌شوند. آسمان‌ها، ساختار آنها، موجودات ساکن در آنها، فرشتگان، ماهیت خود خداوند یا سرنوشت روان‌های صالح و ناصالح، رازهایی می‌شوند که در جریان عروج به مکاشفه‌گر آشکار می‌شوند. به هر رو، چه در روایات عروج مزدایی و چه در مکاشفات، آنچه گام اول و نقطه شروع چنین داستانی می‌گردد، باور به راز و امکان آگاهی از راز است. اشتراکات دیگری که در اصول مکاشفه‌ای این دو سنت وجود دارد، وجود هر گونه تصادفی را در این اشتراکات نفی می‌کند و هر چه بیشتر بر وام‌گیری سنت یهودی از باورهای ایرانی تأکید خواهند کرد.

## ۲. طرحی برای تاریخ

بنابر کیهان‌شناسی زرتشتی، اهورامزدا به عنوان خدای خیر در تقابل با اهریمن به عنوان سرچشمه و خدای شر قرار می‌گیرد. آفرینش نیک اهورامزدا همواره دچار تهدیدهای نیروهای اهریمنی است. بنابراین، اهورامزدا می‌بایست برای رفع این تهدید کاری انجام دهد. در روایت زروانی، این تقابل برآیند دشمنی اهورامزدا و اهریمن بر سر حق حاکمیت جهان است که در واقع به اهورامزدا تعلق دارد، اما اهریمن به خاطر سرشت ناپاک خود در اقدامی ناجوانمردانه آن را غصب می‌کند. زروان که از سپردن حاکمیت جهان به این فرزند نامطلوب اکراه دارد و می‌داند که اکنون با تسلط اهریمن بر جهان، هستی آمیخته به بدی و شر و گناه می‌گردد، برای نجات آفرینش خود از این مصیبت باید کاری انجام بدهد. آنچه بندهش در اسطوره کیهان‌شناسی ایرانی از اقدام اهورامزدا به واسطه خرد همه آگاه خود برای مقابله با اهریمن و نهایتاً شکست و نابودی او و نیروهایش می‌گوید و آنچه در

اسطوره زروانی به وسیله زروان برای رساندن فرزند نیک خود، اهورا به حق حقیقی‌اش اندیشیده می‌شود، همان چیزی است که می‌توان آن را «طرح خداوند برای تاریخ» نامید. چیزی که در آموزه پیشین از آن به «راز»، یعنی «حکم» خداوند یا «طرح الهی نجات برای جهان» تعبیر گردید.

در مکاشفات هم چنین است، هر چند که قالب روایت در اینجا رنگ اسطوره‌ای ندارد. بنابر باورهای یهودیان که برگرفته از عهد عتیق است، خداوند به ابراهیم، نیای بزرگ آنان وعده می‌دهد تا در ازای پذیرش ایمان به وی، زمین را به نسل‌های پس از او برساند و فرزندان را همچون شن‌های ساحل دریا کثیر و پرشمار سازد. در اصل، تاریخ می‌بایست به گونه‌ای پیش برود که وعده خدا محقق شود و بنی‌اسرائیل بر جهان برتری یابد و با اجرای کامل شریعت، جهانی فاقد هر گونه ظلم، گناه، شر و بدی به وجود آید. اما اکنون جهان پر از ظلم و گناه است و قوم خداوند اسیر و دربند، زیر شکنجه و تحقیر اقوام مشرک بیگانه‌اند. پس خداوند باید برای نجات قوم برگزیده خود و تحقق وعده‌اش، و در نهایت، برای ایجاد جهانی بدون گناه و بدی و سرشار از نیکی و خیر اقدامی انجام دهد. آنچه بهوه در این زمینه می‌اندیشد و مکاشفه‌ها به تفصیل از آن سخن می‌گویند، «طرح نجات بخش خداوند برای قوم خود» است. مهمترین نقشه یا طرح خداوند برای نجات در هر دو سنت یاد شده چیزی است که می‌توان به آن با عنوان «مرحله ای سازی تاریخ<sup>۱</sup>» اشاره نمود.

### ۳. مرحله ای سازی تاریخ

در کیهان‌شناسی زرتشتی، جهان دارای چهار مرحله در نظر گرفته می‌شود که در واقع طرح اهورا مزدا برای نجات هستی از دست اهریمن‌اند. در مرحله اول، این دو مینو هر یک در قلمرو خود وجود دارند و اتفاقی نمی‌افتد. در مرحله دوم هر یک از دو مینو به آفرینش جهان خود در سطح مینوی دست می‌زنند. در مرحله سوم آفرینش این دو مینو جنبه مادی به خود می‌گیرد. این مرحله زمانی است که حمله اهریمن به آفرینش اهورا مزدا روی می‌دهد. اهریمن به واسطه بارقه‌ای از نور که اهورا آگاهانه به قلمرو تاریکی می‌فرستاد از

وجود دنیای خیر آگاه می‌شود و به آن حمله می‌کند و آفرینش را دچار ناپاکی، تباهی و بدی می‌کند و انواع و اقسام خرفستران و موجودات مضر و موذی آفریده خود را در آفرینش اهورا می‌گسترده. اما خود در قلمرو خیر محبوس می‌ماند و به همین خاطر با جدیت به اقدامات خرابکارانه خود ادامه می‌دهد، غافل از آنکه این همان چیزی است که اهورا می‌خواهد. مرحله چهارم مرحله جدایی این دو مینو است.<sup>۱</sup> در این مرحله، به واسطه اقدامات دیگر اهورا مزدا، از جمله برانگیختن زرتشت به پیامبری و ترویج دین در جهان و منجی‌های سه گانه زرتشتی، اهریمن و نیروهای او از اهورا مزدا شکست می‌خورند و برای همیشه نابود و تباه می‌گردند و آفرینش اهورا به پاکی مطلق اولیه خود باز می‌گردد و طرح نجات او به نتیجه می‌رسد.

در باورهای زروانی عمر جهان به دو دوره زمان متناهی و نامتناهی تقسیم می‌شود که در دوره نخست اهریمن مسلط بر جهان است. این عصر نه هزار سال طول می‌کشد، اما با پایان این زمان محدود، دوره نامتناهی تسلط اهورا مزدا بر هستی آغاز می‌شود و همه جلوه‌های شر از جهان زدوده می‌گردد. علاوه بر این، نمونه‌های دیگر این باور در دین ایرانی را می‌توان در *زند و همن یسن* یافت. زرتشت پس از بهره‌مندی از خرد همه آگاه اورمزدی که به شکل آب به او خورانده می‌شود، به خواب می‌رود و در خواب درخت چهار شاخه‌ای می‌بیند که شاخه‌های آن به ترتیب زرین، سیمین، پولادین و از آهن برآمخته‌اند. همین خواب در فصل سوم این اثر به صورت دیدن درختی هفت شاخه روایت می‌شود. اینها زمان‌های برجسته تاریخ دین زرتشت‌اند که از اوج به افول می‌گرایند تا در چهارمین یا هفتمین مرحله، بدترین دوره به وقوع می‌پیوندد.<sup>۲</sup> به دنبال این مراحل، مرحله ظهور منجیان

1. "The Bundahishn ("Creation"), or Knowledge from the Zand", Translated by E. W. West, *Sacred Books of the East*, vol. 5, Oxford University Press, 1897, ch.1: 10-20.
2. "Zand-i Vohuman Yasht", [Online], E. W. West (trans.), *Sacred Books of the East*, vol. 5, Oxford University Press, 1897, Available in: [www.gnosis.org](http://www.gnosis.org)., ch.1:1-6 & ch.2: 4-23

زرتشتی و پیروزی نهایی بر اهریمن فرا می‌رسد و طرح نجات بخش خداوند برای هستی محقق می‌گردد.<sup>۱</sup>

در مکاشفات عهد عتیق هم مرحله ای سازی تاریخ به شکل پررنگی وجود دارد. بر خلاف نبوت کتاب مقدسی، که شرایط بد و خوب قوم را نتیجه پایبندی یا عدم پایبندی قوم به پیمان شریعت تفسیر می‌کند، مکاشفه‌ها با اعتقاد به طرح نجات خداوند برای قوم خود، تاریخ را مسیری از ادوار و مراحل از پیش تعیین شده می‌دانند که هر مرحله شرایط خاص خود را دارد و بر اساس اراده خداوند به وقوع می‌پیوندد. انسان‌ها به عنوان اجزای این مراحل، در صحنه جهان تابع وضعیت مرحله‌ای هستند که در آن واقع‌اند. گویا مکاشفه‌ها با این جبرگرایی تند قصد دارند تا از اینکه مسئولیت شرایط بد و ناگوار قوم اسرائیل را برعهده خود آنان بگذارند، سر باز زنند. هر چند به نظر می‌رسد که رسالت اصلی مکاشفه‌ها، یعنی امید بخشی به مخاطبان یهودی خود برای تحمل شرایط بد زمانه، تأثیر بیشتری در شکل‌گیری این باور دارد.

در مکاشفه اخنوخ تمام تاریخ جهان از لحظه آغاز تا پایان به ده مرحله تقسیم می‌شود که بنا بر مشیت خداوند بدون استثناء جاری خواهند شد. این ده مرحله عبارتند از: ۱. خلقت ۲. داستان طوفان نوح ۳. ابراهیم ۴. وحی در سینا و آمدن شریعت ۵. دوره معبد ۶. تخریب معبد ۷. دوره برگزیده شدن "شاخه صالح" ۸. پیروزی صالحان (پیروزی خیر بر شر) ۹. تجدید بنای معبد ۱۰. داوری نهایی بر جهان.<sup>۲</sup> طبق روایت کتاب، اخنوخ در مرحله اول از این مراحل بوده است و بنابر آنچه که بر او آشکار شده، مراحل آینده را پیش‌گویی می‌کند. اما در واقع مکاشفه‌گری که مطالب را از زبان اخنوخ می‌گوید، در مرحله هفتم قرار دارد. او آنچه را که بر تاریخ گذشته بازگو می‌کند و سه مرحله آینده چیزی است که او امیدوار است

۱. در تصحیح راشد محصل، روایت دوم (درخت هفت شاخه) در فصل سوم کتاب آمده است. نک به: زند بهمن یسن، به کوشش و ترجمه محمد تقی راشد محصل، چاپ دوم، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۸۵، صص ۳ و ۴.

2. "The Book of 1 Enoch", R. H. Charles (trans.), *Apocrypha and Pseudepigrapha of the Old Testament with Introductions and Critical and Explanatory Notes to the Several Books*, vol.2, Charles R. H. (ed.), Oxford, Clarendon Press, 1913, ch.93:3-14.

اتفاق بیفتد. در اینجا نیز آخرین مرحله جایی است که طرح نجات خداوند به طور کامل محقق می‌گردد و جهان به سعادت موعود می‌رسد و قوم خداوند نیز به سعادت وعده داده شده نائل می‌گردند.

نمونه دیگری از این باور در مکاشفه سریانی باروخ یافت می‌شود که در آن، باروخ رویای خود را از ابرهای حاوی باران‌های سیاه و سفید بر زمین می‌باراند، تا آنکه رعدی از فراز ابر بر آن غلبه می‌کند و همه چیز را به شرایط مطلوب برمی‌گرداند. بنابر تفسیری که این اثر از زبان فرشته رمیثیل درباره این رؤیا ارائه می‌کند، باران‌های سیاه نماینده مراحل نامطلوب و اغلب گناه آلود تاریخ‌اند و باران‌های سفید مراحل مطلوب و در بردارنده ایمان و اطاعت و نیکی در تاریخ را می‌نمایانند. به دنبال هر دوره نامطلوب از تاریخ، یک دوره مطلوب فرا می‌رسد تا آنکه در آخرین مرحله، خداوند به واسطه منجی که رعد نشانه اوست، شرایط نامطلوب جهان را بر طرف می‌کند و جهان را به وضعیت آرمانی می‌رساند.<sup>۱</sup> در مکاشفه ابراهیم نیز تاریخ به دوازده مرحله گناه و نافرمانی تقسیم می‌شود. بنی اسرائیل جزئی از تاریخ‌اند و در هر مرحله آنچه را انجام می‌دهند که آن مرحله اقتضا می‌کند. آنها نیز وقتی در یک مرحله گناه و سرپیچی قرار می‌گیرند، به شرایط آن تن می‌دهند. این سیر تا آخرالزمان ادامه دارد، تا آنکه در پایان این دوازده مرحله، با ظهور مسیحا، جاری شدن داوری و عدالت خداوند بر جهان و رسیدن گناهکاران به مجازات، طرح نجات بخش خداوند به نتیجه برسد.<sup>۲</sup>

#### ۴. منجی‌گرایی

باور به منجی‌های آخرالزمانی یکی دیگر از اشتراکات دو سنت دینی زرتشتی و یهودی است. منجی‌گرایی بخش دیگری از چگونگی تحقق طرح نجات خداوند است. منجی

1. "2 Baruch or The Syriac Apocalypse of Baruch", R. H Charles (trans.), *Apocrypha and Pseudepigrapha of the Old Testament with Introductions and Critical and Explanatory Notes to the Several Books*, vol.2, R. H Charles (ed.), Oxford, Clarendon Press, 1913, ch.53, 56-74.
2. "Apocalypse of Abraham", James H.Charlesworth (trans.), *The Old Testament Pseudepigrapha*, James H.Charlesworth (ed.), Doubleday, New York, 1985, ch:28.



شخصیت انسانی یا غیر انسانی فوق طبیعی است که با برخورداری از نیروهای فوق طبیعی الهی انتظار می‌رود تا در پایان جهان در برابر نیروهای شر ظهور کند و هستی یا قوم خداوند را از شرایط ناگوار آمیخته به شر، گناه و ستم نجات دهد. سنت دینی زرتشتی بر این باور است که بخشی از طرح نجات بخش خداوند برای هستی خود آن است که در آخرین دوره از عمر جهان نجات بخشانی را برخوردار از مواهبی الهی برای مقابله با نیروها و کارهای اهریمنی به ظهور می‌رساند. خود زرتشت نخستین این نجات بخشان سودرسان (سوشیانت) است. اما آنچه در دین زرتشتی از شهرت بیشتری برخوردار است، اعتقاد به سه منجی دیگری است که در همین دوره ظهور خواهند کرد. *زند و همن یسن* از این سه منجی و شرایط زمان و ظهور آنان به تفصیل سخن گفته است. بنابر باورهای ایرانی، در پایان هزاره زرتشت، یعنی هزار سال پس از دوره زندگی زرتشت، کودکی از تخمه زرتشت برای نجات جهان به وجود می‌آید. دختری باکره در دریاچه‌ای که تخمه زرتشت به نحوی خارق العاده در آن محفوظ مانده است، شنا می‌کند و از آن نطفه باردار می‌شود و نوزادی به دنیا می‌آورد که قرار است به عنوان ناجی جهان عمل کند. بنابر روایت‌ها، این کودک که هوشیدر نام دارد، در سی سالگی - همچون زرتشت - به دیدار اورمزد می‌رسد، دین اورمزد را می‌پذیرد و رسالت آوردن آن را برعهده می‌گیرد. هزار سال پس از هوشیدر، منجی دوم زرتشتی موسوم به هوشیدرماه به همان شیوه که هوشیدر به وجود می‌آید، دیده به جهان می‌گشاید. هوشیدرماه نیز به یاری برخی ایزدان و شخصیت‌های باستانی باورهای ایرانی، به دیوان و اهریمنان آسیب فراوان می‌رساند و جهان را به راستی و درستی باز می‌آورد. آخرین منجی زرتشتی که در پایان هزاره آخر از عمر جهان به دنیا می‌آید، سوشیانت است. در زمان وی نبرد نهایی خیر و شر اتفاق می‌افتد. سوشیانت به یاری قهرمانان ملی باستانی ایرانی و ایزدان، همه نیروهای اهریمنی را شکست می‌دهد و برای همیشه جهان را از دست نیروهای شر و اهریمنی و گزندها و آفت‌هایشان می‌رهاند.<sup>۱</sup>

اعتقاد به یک منجی آخرالزمانی برخوردار از نیروها و تأییدات الهی در سنت یهودی با اصطلاح «مسیحاگرایی»<sup>۲</sup> شناخته می‌شود. مسیحا (عبری: «ماشیح»<sup>۱</sup>) به معنی کسی است

۱. نک به: *زند بهمن یسن*، به کوشش و ترجمه محمد تقی راشد محصل، فصل ۷-آخر، صص ۱۳-۱۹.

«که توسط خداوند مسح شده» است.<sup>۲</sup> باور به منجی یهودی با عنوان مسیحا، خاص مکاشفات عهد عتیق نیست. این اصطلاح در خود عهد عتیق نیز به کار رفته و در آنجا برای چندین شخصیت تاریخی و غیرتاریخی استفاده شده است.<sup>۳</sup> باور به مسیحای آخرالزمانی یکی از بهترین توضیحات برای چگونگی تحقق طرح نجات خداوند برای قوم اوست. قوم برگزیده خداوند در پرسش از سبب رنج‌ها و مصائب خود با این پاسخ مواجه می‌شوند که شرایط کنونی آنها بخشی از طرحی است که خداوند از طریق آن قصد نجات نهایی آنها را دارد. خداوند برای تحقق طرح نجات در تاریخ دخالت می‌کند. یک شکل این دخالت به واسطه برگزیده‌ای با نام مسیحا است که در پایان جهان برای نجات جهان ظهور می‌کند.

مکاشفه‌های عهد عتیق بنابر فلسفه وجودی خود و رسالت اصلی‌ای که در امیدبخشی به قوم بنی‌اسرائیل دارند، بیش از تمام ادبیات یهودی بر مفهوم مسیحا تأکید می‌ورزند. در مکاشفه‌ها ظهور مسیحا امری قطعی است که در پایان تاریخ روی می‌دهد. آنها به مسیحا شخصیتی فرانسسانی و آسمانی می‌دهند و معمولاً توصیف‌های مفصلی از شرایط ظهور وی، اتفاقاتی که پیش و پس از ظهور او روی می‌دهد، و دوره مسیحایی ارائه می‌کنند. آنها همچنین در توصیفات خود از مسیحا و موارد مربوط به آن بسیار از نمادگرایی استفاده می‌کنند. در مکاشفه حبشی اخنوخ، مسیحا شخصیتی فرانسسانی است که خداوند او را از ازل برای نقش حساس نجات نهایی تعیین کرده و مخفی نگه داشته است.<sup>۴</sup> مسیحا آغاز کننده داوری بر جهان است و با زنده کردن همه مردگان، داوری خداوند بر جهان را آغاز، و جایگاه عذاب و سعادت هر کسی را تعیین می‌کند.<sup>۵</sup> در این اثر در ضمن ارائه شرحی از تاریخ در قالب نماد پردازی حیوانات نیز از مسیحا سخن به میان می‌آید. بنی‌اسرائیل

1. Máshih

2. Flusser David, "Messiah", *Encyclopedia Judaica*, Second Edition, vol. 14, p. 112

۳. از جمله شخصیت‌های تاریخی که در عهد عتیق با عنوان مسیحا یاد شده‌اند، می‌توان به کورش هخامنشی اشاره نمود. وی در کتاب اشعیا، فصل‌های مربوط به اشعیای دوم، فرستاده و مسیحای خداوند معرفی می‌شود. (Isaiah: 41:1,28 & 45: 1,5)

4. "The Book of 1Enoch", ch. 48: 2-10.

5. *Ibid.*, ch. 51:1-5.

گوسفندانی هستند که گرگ‌ها و حیوانات وحشی دیگر، که نماینده حکومت‌های ستمکار و مشرک‌اند، آنان را اسیر کرده و بره‌هایشان را می‌درند، تا آنکه بنابر مشیت و برنامه‌ای که خداوند از ازل مشخص کرده است، قوچی قوی به کمک گوسفندان می‌آید و آنها را از چنگال گرگ‌ها می‌رهاند. این قوچ نماد مسیحاست که خداوند برای نجات قوم برگزیده خود در نظر گرفته است.<sup>۱</sup>

در کتاب سوم اخنوخ نیز مسیحا با عنوان دست راست خداوند وصف شده، که در حالت سکون دیده می‌شود و فرشته راهنما آن را مسیحای خدا می‌داند که برای نجات نهایی قوم و برگزیدگان صالح خداوند ذخیره شده است.<sup>۲</sup>

در مکاشفه عزرا نیز باور به مسیحا در قالب رؤیایی نمادین جلوه می‌کند. رویای پنجم عزرا مشتمل بر آن است که عقابی بزرگ بر دنیا حاکم می‌شود و به دنبال آن بالهای این عقاب پادشاهی خود را بر دنیا می‌گستراند. این عقاب و بالهایش نماینده پادشاهی‌های ظالم و مشرک دنیا، به ویژه حکومت‌هایی هستند که بر قوم صالح خداوند، معبد و دین مقدسشان ستم و توهین کرده‌اند. تا آنکه در پایان کار جهان، بنابر طرح خداوند شیری بزرگ از درون جنگل بیرون می‌آید و پس از بازخواست عقاب و هشدار به او، عقاب و بالهایش را محکوم به نابودی می‌کند و آنها را در آتش می‌سوزاند و نابود می‌کند. این شیر نماد مسیحاست که بنابر طرح خداوند برای نابود کردن اشرار و ستمگران، و برچیدن سلطه گناهکاران و کافران در نظر گرفته شده است.<sup>۳</sup> رؤیای ششم عزرا هم در توصیف کارهای مسیحاست. در آنجا نیز عزرا شاهد بیرون آمدن چیزی شبیه به یک آدم از درون دریاست که هر چه در برابرش قرار می‌گیرد، نابود می‌کند و همه چیز مقهور قدرت او می‌شود. همگان را برای داوری به

1. "The Book of 1 Enoch", ch.85-90.

2. "3 Enoch or the Hebrew Book of Enoch", [Online], Hugo Odeberg (trans.), Cambridge University Press, 1928, Available in: <http://internet Archive.org>, Ch. a48: 8-10.

3. "The 4 Ezra", G. H. Box (trans.), *Apocrypha and Pesudepigraoha of the Old Testament with Introductions and Critical and Explanatory Notes to the Several Books*, vol.2, R. H Charles (ed.), Oxford, Clarendon Press, 1913, pp.543-624, ch.10:60 - 12: 2.

حضور او می‌آورند و او همه را داوری می‌کند و هر یک را به جایگاه عذاب یا سعادت می‌فرستد.<sup>۱</sup>

در مکاشفه سریانی باروخ نیز شاهد دو اشاره نمادین به مسیحا و ظهور وی هستیم. نخست در رویای باروخ از جنگل انبوهی که پس از دوره‌ای شکوه به واسطه چشمه آبی که تبدیل به موج‌های بزرگی می‌گردد، به طور کامل نابود می‌شود. آنگاه درخت انگوری که در این بین باقی می‌ماند، به همراه چشمه آب نزد درخت سدر کنهسالی که از جنگل باقی مانده می‌روند و تکبر و شرک و ستم‌های او و همسایگانش را به یادش می‌آورند و آنگاه سرنوشت محتوم او را که نابودی و نیستی است، به او وعده می‌دهند. این درخت انگور مسیحای خداوند است که در پایان کار جهان باقی می‌ماند و تمام درخت‌های بزرگ سدر که نماینده حکومت‌های ظالم و مشرکاند نابود می‌شوند.<sup>۲</sup>

در رؤیای دوم، باروخ دوازده باران سیاه و سفید را به نشانه دوازده مرحله خوب و بد در تاریخ جهان می‌بیند که در پایان آنها رعدی از فراز ابرهایی که این باران‌های سیاه و سفید را می‌باراند، بر همه آنها غلبه می‌کند و همه چیز را به حالتی مطلوب و آرمانی بدل می‌کند. آخرین باران سفید دوره ظهور مسیحا و آغاز پادشاهی مسیحایی بر جهان، و به دنبال آن داوری خداوند بر جهان است.<sup>۳</sup> در مکاشفه یونانی باروخ نیز در روایت شهود باروخ از آسمان سوم اشاره‌ای به مسیح در قالب نمادین انگوری که خداوند به واسطه آن قصد نجات انسان را دارد، آمده است. انگور که روزی در بهشت باعث رانده شدن آدم از بهشت بوده است، بار دیگر به اراده و طرح خداوند انسان را نجات خواهد داد و لایق بهشت خواهد کرد.<sup>۴</sup>

مکاشفه ابراهیم نیز با روایت مشاهده ابراهیم از منظره تصویری که در آسمان در برابرش گشوده می‌شود، به مسیحا اشاره می‌کند. ابراهیم در منظره پیش روی خود مردی را می‌بیند

1. "The 4 Ezra", ch.12: 3 – 13: 58.

2. "2 Baruch or The Syriac Apocalypse of Baruch", ch.39: 7,8.

3. Ibid., ch. 53: 1-11.

4. "3 Baruch or The Greek Apocalypse of Baruch", Hoghes (trans.), *Apocrypha and Pseudepigrapha of the Old Testament with Introductions and Critical and Explanatory Notes to the Several Books*, vol.2, R. H Charles (ed.), Oxford, Clarendon Press, 1913, pp.527-541, ch.4: 8-16.

که از سمت چپ تصویر پیش رو وارد می‌شود. گروهی او را می‌پرستند و گروهی او را دشنام می‌گویند. عزازیل هم جزء کسانی است که به او احترام می‌گذارند و صورت او را می‌بوسند. یوئیل فرشتهٔ راهنمای ابراهیم، آن مرد را منجی قوم در آخرالزمان از دست مشرکان می‌داند که با ظهور او عدالت و داوری بر جهان جاری می‌گردد و از دشمنان خدا انتقام گرفته می‌شود.<sup>۱</sup>

#### ۵. پیروزی خیر بر شر

اصل مشترک دیگر میان باورهای ایرانی و مکاشفه‌های عهد عتیق، باور به پیروزی نهایی خیر بر شر است. در باورهای مزدایی پیروزی نهایی خیر بر شر آشکارا مسلم است. در کیهان‌شناسی ایرانی و روایت *بندشس* و همچنین روایت *زند و همن یسن* از همسخنی زرتشت و اورمزد، پیروزی نهایی خیر بر شر نمود بیشتر و آشکارتری دارد. چنانکه پیشتر گفته شد، پیروزی اورمزد بر اهریمن در پایان عمر جهان امری مسلم است. اورمزد به واسطهٔ خرد خود و طرحی که برای نبرد آشتی‌ناپذیر خود با هماوردش اهریمن کشیده است، در نبرد نهایی، یعنی در پایان عمر دوازده هزارسالهٔ جهان بالاخره بر اهریمن و تمامی نیروهای شرورش پیروز می‌گردد.

مکاشفات عهد عتیق سرشار از توضیحات و توصیفات از باور به پیروزی نهایی خیر بر شراند. همه چیز در مکاشفات در این جهت تنظیم می‌شود. آنها به شدت می‌کوشند تا به مخاطبان خود بقبولانند که پیروزی‌های کنونی مشرکان و شکست‌های فعلی مؤمنان، پایان کار آنها نیست، بلکه آنچه در پایان جهان واقع می‌گردد، پیروزی همیشگی مؤمنان و شکست و نابودی مشرکان است. مکاشفات از گروه اقلیتی سخن می‌گویند که با اصطلاح «برگزیدگان<sup>۲</sup>» یا «صالحان<sup>۳</sup>» به آنها اشاره می‌شود این برگزیدگان و صالحان آنانند که به عنوان نمایندهٔ خیر در پایان جهان به پیروزی نهایی می‌رسند و همهٔ کسانی که بر اساس

---

1. "Apocalypse of Abraham", ch. 28-29.

2. The Elect Ones

3. The Righteous

آیین و هنجارهای آنان زندگی نمی‌کنند و در برابرشان قرار می‌گیرند، به عنوان شر شناخته می‌شوند.

مکاشفه‌ها به شدت می‌کوشند تا به مخاطبان خود از قوم یهود القاء کنند که آنان همان برگزیدگان خداوند و بقیه صالحی هستند که پیرویشان وعده داده شده است. مکاشفه‌ها قوم یهود را نماینده خیر در جهان می‌دانند و همه ملت‌ها و پادشاهی‌های بیگانه را که بر این قوم تعدی و ستم کرده‌اند، نماینده شر می‌شمارند. آنها بنا بر اصولی که در خود می‌پروراند، ضمن القاء این باور به مخاطبان خود، آنان را در جریان مراحل تاریخ در مرحله‌ای معرفی می‌کنند که در آن زمان دخالت خداوند برای نجات قوم خود فرا رسیده است. آنها در آستانه نجات‌اند و هر کس که بر سر ایمان خود باقی بماند، از برگزیدگان خداوند است و در نبرد نهایی خیر و شر، این نیروی خیر که آنان نماینده حقیقی آن هستند، پیروز می‌گردد.

#### ۶. جهان کنونی - جهان بعدی

تفکیک جهان به «جهان کنونی»<sup>۱</sup> و «جهان بعدی» یا «جهانی که خواهد آمد»، یکی دیگر از مفاهیمی است که در ادبیات مکاشفه‌ای به چشم می‌خورد. در اسطوره زروانی زمان به دو زمان متناهی یا «کرانه کومند» و زمان نامتناهی یا «اکرانه» تقسیم می‌شود. زمان متناهی دوره تسلط ناحق اهریمن بر جهان است که عمر آن نه هزار سال تعیین شده است. در این دوره متناهی، گناه، ستم و بی‌عدالتی در جهان گسترش دارد و صالحان مغلوب گناهکاران و اشراراند. اما پایان این دوره، بازگشت به زمان نامتناهی و تسلط اهورامزدا بر جهان است. در این دوره که مهم‌ترین تفاوت آن با دوره قبل، جاودانگی و بی‌کرانگی آن است، همه چیز به نفع صالحان و نیکان تغییر می‌کند و گناهکاران و اشرار به کیفر همه اعمال نادرست خود می‌رسند.<sup>۳</sup>

---

1. This World

2. The World to Come

۳. برای آگاهی از اسطوره زروانی و تحلیلی از آن نک به: زرن آرسی، طلوع و غروب زردشتی‌گری، ترجمه

تیمور قادری، تهران، فکر روز، ۱۳۷۵، صص ۳۴۹-۳۵۳.

شکل دیگر این تفکیک را در کیهان‌شناسی بندهش می‌توان یافت. در این اسطوره نیز پس از پایان دوره آخر از عمر دوازده هزار ساله جهان، اهریمن برای همیشه از میان می‌رود و همه نیروهای شر نیز به مجازات اعمال خود می‌رسند و یا به طور کامل نابود می‌گردند. برخلاف دوره آمیزش که جهان مخلوطی از نیکی و بدی است و جهان آمیخته به حوادث و وقایع ناگوار و رنج آور است، در دوره جدید، یعنی پس از پیروزی نهایی خیر و نابودی همیشگی شر، جهان به حالت آرمانی و طلایی خود باز می‌گردد. بنابراین «جهان کنونی» که در آن دینداران و صالحان خود را محروم از جایگاه حقیقی و شایسته خود می‌بینند، از آن رو چنین است که در دوره تفوق و تسلط شر بر خیر قرار دارند. اما وقتی «این جهان» جای خود را به «جهانی که خواهد آمد» بدهد، آنها بهره مند از نعمت جاودانگی به پاداش تمام استقامت‌های خود بر سر ایمان و باورهایشان خواهند رسید.

دنیای مکاشفات هم جایی از سنخ دنیای دچار تقابل خیر و شر مزدایی است. مکاشفات عمیقاً به تفکیک یاد شده باور دارند و آشکار و نهان بر آن تاکید می‌کنند، تا مخاطبان خود را در شرایطی که در آن به سر می‌برند، به بهترین وجه یاری کنند. مکاشفات سرشار از توصیفات آخرالزمان، یعنی پایان زمان یا پایان جهان‌اند. مکاشفه‌گرها خود را درست در همان زمانی می‌بینند که در حال توصیف آن‌اند. جهانی سرشار از جلوه‌های تقابل خیر و شر که در آن معمولاً شر و نیروهای آن تسلط و برتری دارند. مکاشفات قوم بنی‌اسرائیل را که عمیقاً به برگزیدگی آن باور دارند، طرف خیر می‌پندارند و همه اقوام و پادشاهی‌ها و عناصری را که در نقطه مقابل قوم آنها قرار می‌گیرند و نسبت به آنها دیدگاه و عملکرد دوستانه‌ای نداشته یا ندارند، را طرف شر این جهان تصور می‌کنند.

دوره فعلی، یعنی جهانی که اکنون قوم خداوند در آن به سر می‌برند، دوره‌ای است که به مشیت خداوند شر و نیروهای آن بر خیر فائق‌اند. جهان کنونی جهان پیروزی‌ها و برتری‌های ظالمان و بیگانگان است. اما این همه ماجرا نیست، چرا که به دنبال این جهان، جهانی خواهد آمد که اوضاع و شرایط در آن دیگر این چنین نخواهد بود. خداوند مقتدر اراده کرده است تا در آن جهان آینده، خیر بر شر پیروز شود و شر برای همیشه نابود گردد. قوم برگزیده خداوند، و به تعبیر درست‌تر برگزیدگان قوم برگزیده خداوند، در این جهان جدید به پاداش همه اعمال خود و استقامت بر سر ایمان و دین خود می‌رسند. جاودانگی

برترین نعمتی است که در این دنیای جدید نصیب درستکاران می‌گردد و نابودی بدترین مجازات برای گناهکاران و اشرار است.<sup>۱</sup>

## ۷. تقدیرگرایی<sup>۲</sup>

همه مفاهیم و اصول مکاشفه‌ای که تاکنون شرح شد، نشان از باور به تقدیرگرایی دارند. تقدیرگرایی را می‌توان زیر بنای همه اصول بالا دانست. تقدیرگرایی باور به آن است که همه آنچه در جریان تاریخ اتفاق افتاده و می‌افتد از ابتدا مشخص شده است و تاریخ دقیقاً بنا بر همان طرحی که برای آن معین شده به پیش می‌رود، تا آنکه نهایتاً به همان نتیجه‌ای که در آغاز تعیین شده است برسد.

وقتی عروج‌های مزدایی از عمر مشخص جهان سخن می‌گویند و باور دارند که کشمکش خیر و شر در عرصه هستی بر اساس طرحی به پیش می‌رود، تا آنکه اهورا مزدا به کمک منجی‌های زرتشتی که هر کدام دقیقاً در زمان تعیین شده خود ظهور می‌کنند، بر اهریمن و نیروهایش پیروز گردند، در واقع باور به آن است که همه این اتفاقات از آغاز تا پایان مشخص شده است و عناصر و موقعیت‌ها به همان ترتیبی رخ می‌نمایند که از پیش تعیین شده‌اند و این دقیقاً به معنای تقدیرگرایی، یعنی سرنوشت از پیش تعیین شده با نتایج و جزئیات و جریانات محتوم و تغییرناپذیر است.

این باور در مکاشفات هم به عنوان رشته‌ای که یکایک اصول مکاشفه‌ای موجود در آنها را به هم پیوند می‌دهد، عمل می‌کند. مکاشفات به مخاطبان خود چنین القاء می‌کنند که هر آنچه در جریان تاریخ روی می‌دهد و آنان را به عنوان قوم برگزیده خداوند گاهی در اوج قدرت و اقتدار، و گاهی در وضعیت‌های سخت و رنج آور و سرشار از تحقیر و توهین به خود و دینشان قرار می‌دهد، توسط خود خداوند از پیش تعیین و مقدر شده است. خداوند

---

۱. در همه مکاشفات به دنبال توصیف مسیحا و شرایط آخرالزمان، توصیفات مفصلی از اوضاع جهان ارائه می‌شود که در حقیقت همه، شرایط جهان آینده هستند. برای نمونه به توصیفات عصر مسیحایی در مکاشفاتی که در بالا ذکر گردید نگاه کنید.

## 2. Determinism



مقدر کرده است که در طرحی که برای تاریخ دارد، قوم او در هر دوره‌ای در چه وضعیتی باشد. مراحل تاریخ همه از پیش تعیین شده‌اند و اینکه قوم خداوند و برگزیدگان او در هر مرحله در چه وضعیت و جایگاهی باشند، تعیین شده است. پیروزی نهایی خیر بر شر، چه در جریان معمولی گذر زمان و چه به واسطهٔ ظهور مسیحا، امری است که مقدر شده و به هیچ روی این سرانجام برای جهان تغییر نمی‌کند. بنابراین هر آنچه اکنون در جریان است و هر آنچه روزی به وقوع خواهد پیوست، همه سرنوشت مقدر و محتومی است که خداوند تعیین کرده است.<sup>۱</sup>

می‌توان تصور کرد که مخاطبان مکاشفات که در شرایط و موقعیت‌های دشوار و سخت تاریخی و سیاسی بنی‌اسرائیل با چنین باوری مواجه بودند، چگونه وضعیت خود را با باور به تقدیر درک می‌کردند و با آن کنار می‌آمدند.

## ۸. ثنویت<sup>۲</sup>

اصل دیگری که فضای ادبیات مکاشفه‌ای را مکان مناسبی برای گسترش و بروز خود یافته است، ثنویت یا دو گانه‌گرایی به معنای باور به دو اصل و بن فعال برای هستی و همهٔ امور جاری آن، یکی در طرف خیر و یکی در طرف شر است. دو بن‌گرایی یا ثنویت در ایران و باورهای ایرانی موضوع پژوهش‌های زیادی بوده است، چندان که شاید اکنون لازم نباشد تا به تفصیل از آن سخن گفته شود.

ثنویت ایرانی، چه در شکل ثنویت وجودی و چه در شکل ثنویت اخلاقی، در گاتاها، اوستای متأخر و سایر ادبیات دینی ایرانی آشکارا قابل مشاهده است. در شکل نخست، باور به اهورا مزدا به عنوان نیروی خیر، و اهریمن به عنوان بن و اصل شر در اسطورهٔ زوانی، یا تقابل سپنتامینو و انگره مینو در گاتاها، و تقابل اهورامزدا و انگره مینو (اهریمن) در اوستای متأخر را می‌توان نشان داد. اما برای شکل دوم این ثنویت یعنی گونهٔ اخلاقی آن، اشارهٔ گاتاها به دو همزاد را دو گانگی خیر و شر اخلاقی موجود در آموزه‌های دینی، به معنای دو

---

1. Moltmann, J., *Theology of Hope*, James W. Leitch (trans.), New York, Harper & Row Pub., 1975, p.133.

2. Dualism

روش یا راه زندگی که یکی خیر و یکی شر است، می‌دانند. انسان‌ها اخلاقاً در هر کاری بر سر دو راهی‌گزینش میان نیک و بد (خیر و شر) قرار می‌گیرند و اختیار دارند تا از نیروی گزینش خود برای انتخاب راه و روش نیک و درست یا روش مقابل آن بهره‌بگیرند.<sup>۱</sup> برخی بر این باورند که گاهاتا دو گانگی وجودی را فقط در شکل تقابل سپنتامینو و انگره مینو پذیرفته است که در حقیقت هر دو از منبع یگانه وجود، یعنی اهورا مزدا سرچشمه می‌گیرند و ثنویت موجود در آنها فقط ثنویت اخلاقی نیک و بد است. آنچه به عنوان ثنویت وجودی شناخته می‌شود امری است که در اثر دخالت‌های بعدی در باورهای اصیل زرتشتی روی داده است که نتیجه آن را در اوستای متأخر یا در اسطوره زروانی یا باور مانوی می‌یابیم.

ثنویت در مکاشفه‌های عهد عتیق موضوع جدیدی است که نمی‌توان در کتاب مقدس ریشه‌هایی برای آن پیدا کرد. در کتاب مقدس ثنویت دقیقاً به مانند گاتاها، ثنویتی اخلاقی است. پیروی از شریعت و انتخاب راه و روش درست زندگی و امور که همانا عمل بر اساس شریعت الهی است، راه و روش نیک است و عمل برخلاف شریعت و سرپیچی از دستورات آن، راه و روش بد است. انسان اخلاقاً موظف است در بین این دو روش زندگی، روش نیک را برگزیند و بر اساس شریعت رفتار کند. در عهد عتیق شیطان چهره و نقش بسیار کم رنگی دارد. بیشترین نقش شیطان در کتاب ایوب عرضه می‌شود که در آنجا هم موجودی که نماینده و اصل همه شرور باشد و شر از او سرچشمه بگیرد و در برابر یهوه قرار گیرد، نیست. یهوه در عهد عتیق، خود سرچشمه خیر و شر است، اما نویسندگان عهد عتیق می‌خواهند تا مخاطبان‌شان اینگونه باور داشته باشند که شروری که در زندگی شان واقع می‌شود، نتیجه سوء انتخاب آنها و سرپیچی از دستورات شریعت است و گرنه یهوه برای مخلوقات خود جز خیر نمی‌خواهد. اما در مکاشفات ثنویت چهره پرننگ تری می‌یابد. ثنویت مکاشفات خود به دو الگو قابل تقسیم است که هر دوی آنها به شدت تحت تأثیر یگانه‌پرستی عهد عتیق است.

در الگوی نخست یهوه به عنوان بن خیر و سرچشمه همه نیکی‌ها در نظر گرفته می‌شود که در برابر گروهی از فرشتگان سرکش قرار می‌گیرد. این فرشتگان وظیفه مراقبت و نگهداری از قلمروهای آسمانی را بر عهده دارند و به خاطر طمع در زیبایی فرزندان انسان، از دستورات خداوند سرمی‌پیچند، به زمین نزول می‌کنند و پس از آمیزش با فرزندان انسان، به آنها بسیاری از کارهای نادرست و گناهان را می‌آموزند و بعد از رواج این گناهان، که سرچشمه شر و فساد در جهان خواهد بود، توسط خداوند مجازات می‌شوند. به این ترتیب، در این روایت فرشتگان نگهدار سرکش‌اند که به عنوان سرچشمه بدی و شر در برابر یهوه قرار می‌گیرند.<sup>۱</sup> در چنین روایتی، توحید یهودی مطلقاً اجازه نمی‌دهد که نیروی شر در عرض و برابر با یهوه قرار گیرد. شر چیزی است که از موجودات زیر دست یهوه سرچشمه می‌گیرد و در جهان می‌پراکند. این شر نیرویی زیر دست و در طول اراده یهوه است و هیچ تعارضی با توحید و یکتاپرستی سخت‌گیرانه عهد عتیق ندارد.

در بخشی دیگری از ادبیات یهودی الگوی ثنویت وجودی دیده می‌شود. طومارهای بحرالमित و اسناد جامعه قمران به صراحت از ثنویت نور و ظلمتی سخن می‌گویند که خیر و شر و بن‌های آنها را به عنوان دو نیروی هم عرض معرفی می‌کند. شر نیروی مستقلی است که در برابر آفرینش نیک خدای خیر، یعنی یهوه قد علم می‌کند و دست به فساد، تباهی و شرارت می‌زند. جامعه قمران خود را فرزندان نیک پادشاه نور می‌دانند و هر آنکه را که در برابرشان قرار گیرد، فرزندان شرور پادشاه تاریکی به شمار می‌آورند. نبرد این دو اصل و نیروهایشان همیشه برقرار است تا آنکه نهایتاً فرزندان پادشاه نور بر تاریکی پیروز می‌گردند.<sup>۲</sup> پژوهشگران با توصیف جامعه قمران و فرقه بحرالमित به عنوان گروه‌های اقلیت اعتقادی سعی دارند تا وجود باورهای ثنوی را به این فرقه‌ها که از طرف عامه یهود نیز پذیرفته نشدند، محدود کنند و تأثیر آن را بر عموم یهودیان نادیده بیانگارند. اما پذیرش این نظریه پرسشی را بی‌پاسخ رها می‌کند و آن این است که: چرا یهوه با آنکه قدرت مطلق است، دخالت خود در تاریخ، جاری کردن داوری جهان‌شمول خود بر جهان، نجات قوم

1. "The Book of 1 Enoch", ch. 6-8; "3 Enoch or the Hebrew Book of Enoch", ch. 4: 1-ff.
2. Collins, J. J., p.342.

برگزیده خود و مجازات همه دشمنان خود و شریعتش را باید به آخرالزمان موکول کند؟ چرا او باید برای تاریخ یک طرح بلند مدتی در قالب مراحل طولانی تاریخی داشته باشد تا مشیتش را در پایان آن مراحل به اجرا در آورد؟

در کنار همه پاسخ‌هایی که به این پرسش می‌توان داد، اگر کمی حدود احتیاط را کنار بگذاریم و بتوانیم فضای مستعد و تأثیرپذیر مکاشفات از باورهای ایرانی را چنان که بوده است در نظر بگیریم، می‌توانیم دلیل این تأخیر و نیاز به گذشت زمان را به ثنویتی وجودی با الگویی کاملاً ایرانی باز گردانیم. در مکاشفات هم به مانند اسطوره کیهان شناسی ایرانی، ثنویت به ثنویتی وجودی تغییر پیدا می‌کند، یعنی آنکه یهوه در مکاشفات در عرض نیروی شر قرار می‌گیرد. اما میان این دو تفاوت ظریفی وجود دارد که شاید حاصل آن باشد که مکاشفات نمی‌توانند توحید عهد عتیق را به یکباره کنار بگذارند و آن اینکه در مکاشفات، شر نیرویی متشخص با آفرینش مخصوص خود نیست، بلکه اصلی نامتشخص است که بدون آنکه از آن به عنوان یک بن و اصل سخنی باشد، آن را در هستی یهوه جاری می‌داند. شاید شر را مخلوقات خود یهوه ایجاد کرده باشند، اما آن اکنون تبدیل به نیرویی در عرض یهوه شده است.

با این همه، یهوه از هم‌اورد خود چیزهایی بیش دارد. یکی از آن ویژگی‌ها به مانند روایت مزدایی نیروی خرد است. یهوه با علم مطلق خود، شر را وارد یک بازی می‌کند. شر بی‌بهره از نیروی خرد و ناآگاه از سرانجام خود، به شدت این بازی را جدی می‌پندارد و با تمام توان در آفرینش یهوه دست به فعالیت می‌زند. او تمام نموده‌ها و جلوه‌های خود از قبیل پادشاهان ظالم، گناهکاران، نافرمانان و... را به کار می‌گیرد، اما نمی‌داند که این درست همان چیزی است که یهوه می‌خواهد، زیرا کوشش‌ها و فعالیت‌های او در این دوره طولانی نبرد، در واقع به ضعف و تحلیل نیروهای خود او می‌انجامد. شر ضعیف شده از اقدامات خرابکارانه خود و جلوه‌هایش، در پایان جهان باید به نبرد نهایی با خیر برود که نتیجه آن معلوم است. شر ناآگاه و فریب خورده اکنون به سادگی از خیر و جلوه‌هایش شکست می‌خورد و پس از داوری الهی، با همه جلوه‌ها و مصادیق خود محکوم به نابودی می‌گردد. مکاشفه‌گران برای شر موقعیتی برتر در نظر می‌گیرند و قدرت مطلق یهوه برایشان رنگ کمتری دارد. بنابراین، وی را محتاج طرح و نقشه‌ای حساب شده برای غلبه بر این رقیب

شروع خود در نظر می‌گیرند. مکاشفه‌گران قرن‌ها تاریخ را تجربه کرده‌اند که در آن غلبه با شر و مصادیق آن است و یهوه دخالت مشهودی در تاریخ و به نفع آنان نمی‌کند. این تجربه تأثیرگذار خود می‌تواند پاسخی بر این باشد که چرا ایمان انعطاف‌ناپذیر انبیاء کتاب مقدس جای خود را به باورهای متحول شدهٔ مکاشفه‌گران یهودی داده است.

### ۹. داوری و رستاخیز

داوری<sup>۱</sup> که یکی از مفاهیم فرجام‌شناختی<sup>۲</sup> مشترک در باورهای مزدایی و مکاشفات عهد عتیق است، به معنای رسیدگی به اعمال انسان‌ها و سنجش چگونگی عملکرد آنها در زندگی‌شان و تعیین بدی یا خوبی مجموع عمل هر انسانی است. بنابر هر دو سنت بالا، داوری همزمان با پایان یافتن عمر جهان روی می‌دهد و یا خود آخرین مرحله از مراحل است که برای تاریخ در نظر گرفته می‌شود. گاهی داوری به منزلهٔ اتمام عمر جهان و آغاز قیامت یا دنیای پس از مرگ است و گاهی نیز داوری به منزلهٔ اتمام عمر جهان، اما آغاز عصری آرمانی در همین جهان پیش از پیوستن جهان به دنیای پس از مرگ است.

پرسشی که به نحو بارزی برای معتقدان به این اصل مطرح بوده است، این است که وقتی داوری در پایان عمر جهان روی می‌دهد، خوب و بد اعمال انسان‌هایی که پیش از رسیدن داوری خداوند زیسته و از دنیا رفته‌اند چه تأثیری دارد؟ آیا صالحان بر سر ایمان خود رنج بیهوده کشیده‌اند؟ پرسش‌هایی از این دست به باور به اصل فرجام‌شناختی دیگری یعنی رستاخیز<sup>۳</sup>، انجامید، اعتقاد به اینکه همهٔ مردگان در زمان داوری نهایی از مرگ برمی‌خیزند و به حساب همهٔ آنها رسیدگی می‌شود و بر اساس نتیجهٔ عمل هر کس، جایگاه اخروی وی مشخص می‌گردد.

کیش مزدایی از کهن‌ترین ادیانی است که باور به رستاخیز مردگان و داوری اعمال آنها داشته است. در این دین، جدای از باور به یک داوری فردی که پس از مرگ هر انسانی بر او جاری می‌شود، باور به یک داوری همگانی در پایان جهان نیز وجود دارد. بر این اساس،

1. Judgment
2. Eschatological
3. Resurrection

همه مردگان دوباره از مرگ برمی‌خیزند و از رودی از آتش مذاب که در تمام جهان جاری شده می‌گذرند. گناهکاران در این رود از میان می‌روند و به صالحان آسیبی نمی‌رسد. مفهوم داوری و رستخیز یکی از پر بسامدترین مباحث مکاشفات عهد عتیق است. مکاشفه‌ها از تصور و باور سنت یهود درباره نسبت مردگان و سرنوشت روان، چنانکه در کتاب مقدس و تفاسیر رسمی آن ارائه می‌شد، فاصله گرفته و درهای جدیدی را به باورهای متفاوت فرجام‌شناختی می‌گشایند. از آن جمله باور عمیق به رستخیز همه مردگان در زمان داوری نهایی خداوند، به جای باور به یک جایگاه مبهم و خنثی به عنوان قرارگاه همه روان‌های درگذشته به نام شئول است. داوری خداوند بر جهان که به عنوان جاری شدن عدالت بر جهان هم شناخته می‌شود، حاکی از دخالت خداوند در شرایط جهان برای خاتمه دادن به تسلط نیروی شر و برتری عوامل آن، از جمله حکومت‌های ظالم و مشرک، و سروری گناهکاران و بی‌ایمانان بر جهان و صالحان است.<sup>۱</sup>

خدا با عدالت خود برای داوری و قضاوت اعمال و زندگی انسان‌ها در تاریخ دخالت می‌کند. مکاشفه‌ها گاهی این امر را دخالت مستقیم خداوند، و تجلی و نزول او در جهان برای تحقق این امر معرفی می‌کنند و گاهی نیز این دخالت را به صورت غیر مستقیم و به واسطه مسیحا واقع می‌دانند. به هر روی، در این دوره که گاه پایان بخش تاریخ جهان و آغاز دنیای پس از مرگ توصیف می‌شود و گاه پایان بخش مراحل تاریخ و آغاز عصر مسیحایی به عنوان آخرین مرحله از مراحل تاریخ به شمار می‌آید، عدالت خداوند همگان را قضاوت می‌کند و هر کس بر حسب اعمال نیک و بد خود به جایگاه سعادت یا رنج برده می‌شود.

#### ۱۰. آخرت‌شناسی - فرجام‌شناسی<sup>۲</sup>

آخرت‌شناسی به معنای ارائه آگاهی‌هایی درباره دنیای پس از مرگ که اصطلاحاً به آن عالم آخرت گفته می‌شود، یکی از موضوعات غالب در مکاشفات است. این در حالیست که عهد

1. Mc Dannel, Calleen & Bernard, Lans, *Heaven: A History*, Yale University Press, 2001, p.18.

2. Eschatology

عتیق خود به لحاظ دارا بودن اعتقادات فرجام‌شناختی و باور به بهشت و دوزخ، از فقیرترین منابع ادیان به شمار می‌آید. اما مکاشفه‌ها کاملاً برخلاف کتاب مقدس آثاری اساساً فرجام‌شناسانه‌اند. به تعبیر دقیق‌تر، مکاشفه‌های نوع دوم، یعنی روایت‌های داستان عروج افراد به عوالم دیگر، ارائه‌کنندهٔ آخرت‌شناسی، و مکاشفات نوع اول که به مکاشفه‌های تاریخی مشهوراند عرضه‌کنندهٔ فرجام‌شناسی‌اند. روایت‌های عروج به عوالم دیگر در جریان نقل مشاهدات مکاشفه‌گرها از عوالم فرا زمینی، به فراوانی به توصیف بهشت و دوزخ، حسابرسی و چگونگی تعیین جایگاه روان‌ها و... می‌پردازند. به نظر می‌رسد که در آخرت‌شناسی مکاشفات نابودی بزرگ‌ترین عذاب و کیفر، برخورداری از موهبت جاودانگی و بهترین نعمت و پاداش برای صالحان باشد.

اپوکریفای حزقیال با آوردن داستان لنگ و کور، معاد جسمانی را اثبات می‌کند.<sup>۱</sup> در مکاشفهٔ عروجی صفنیا (زفانیا) مهمترین توصیف، گزارش رفتن او به هادس و بیرون آمدن از آن است.<sup>۲</sup> در *اخنوخ حبشی* و *اخنوخ اسلاوی* شاهد روایت مکاشفه‌گر از مشاهدهٔ جایگاه عذاب و شکنجهٔ گناهکاران با استفاده از نمادهای ظلمت و رنج، و مشاهدهٔ جایگاه صالحان و برگزیدگان و نعمت‌ها و لذت‌های آنان هستیم.<sup>۳</sup> مکاشفات باروخ و مکاشفهٔ ابراهیم نیز سرشار از توصیفات آخرت‌شناسانه‌ای از قبیل شهود دوزخ یا جهنم به صورت جایگاهی از آتش سوزان که انواع انسان‌ها در آن مجازات می‌شوند و مشاهدهٔ طبقات بهشت به عنوان جایگاه ارواح صالح و نیکوکاران است.<sup>۴</sup>

1. Bryant, Bob, "Introduction and Paraphrase Apocryphon of Ezekiel", [Online], Available in: <http://jewishchristianlit.com/Resources/StudTxs/apocEzek.html>, ch. 1.
2. "The Apocalypse Of Zephaniah", *The Old Testament Pseudepigrapha*, James H. Charlesworth (ed.), Doubleday & Co., Inc., Garden City, New York, 1983, Fragments: 9-11.
3. "2 Enoch or The Book of the secrets of Enoch", R. H. Charles (trans.), *Apocrypha and Pseudepigrapha of the Old Testament with Introductions and Critical and Explanatory Notes to the Several Books*, vol.2, R. H. Charles (ed.), Oxford, Clarendon Press, 1913, pp.425-459, ch. 65,66.
4. "Apocalypse of Abraham", ch.15: 6,7.

توضیحات «پیشگویی‌های سیبیلی»<sup>۱</sup> از شرایط آخرالزمان، به ویژه در کتاب دوم این مجموعه، با این تعبیر که در فرجام جهان به سیلی از آتش مذاب در جهان به راه می‌افتد و همه مردگان که اکنون برای حسابرسی رستخیز کرده‌اند، باید از آن بگذرند و اینکه صالحان نجات می‌یابند و گنهکاران در آن نابود می‌شوند در کنار توصیف فرشتگانی که در امر حسابرسی و پاداش و کیفر اعمال مشارکت دارند، موجب آن شده که بسیاری از پژوهشگران این اندیشه‌های فرجام‌شناختی را برگرفته از اندیشه‌های ایرانی بدانند.<sup>۲</sup>

### ۱۱. فرشته‌شناسی

از دیگر اشتراکات میان ادبیات دینی مزدایی و مکاشفات عهد عتیق موضوع فرشته‌شناسی است. هر دو گروه این ادبیات سرشار از توصیف فرشتگان و خویشکاری‌های آنان است، به ویژه مکاشفات عروجی، که فرشته‌شناسی صحنه تکراری همه فصل‌های آنها است. فرشتگان در کتاب مقدس از اهمیت چندانی برخوردار نیستند، خویشکاری‌های آنان محدود است و عملاً در نظام اعتقادی یهود نقش برجسته‌ای ندارند. اما در مکاشفات، فرشتگان به جلوی صحنه می‌آیند و بسیار اهمیت می‌یابند، چنانکه بسیاری از خویشکاری‌ها به آنها منسوب می‌شود و تقریباً هر جایی می‌توان توصیفی از آنها پیدا کرد. در این میان، فرشتگان راهنما که وظیفه تفسیر مشاهدات مکاشفه‌گر را برعهده دارند، اهمیت فراوانی به دست می‌آورند. گروهی از فرشتگان باعث ایجاد شر و فساد در زمین می‌شوند. گروهی از آنها نقش مهمی در فرایند حسابرسی و داوری جهان و انسان‌ها پیدا می‌کنند و از گروهی از آنها با عنوان فرشتگان مقرب یاد می‌شود، که بسیار مقدس و مهم‌اند. از این فرشتگان در کنار توصیف مکاشفه‌گر از شهود خداوند سخن گفته می‌شود. گروهی از آنها مسئول همراهی و حمل مرکبه مقدس خداوند اند که می‌توان آنها را فرشتگان بارگاه هم نامید. شهود خداوند بر عرش آسمانی خود نیز موضوع تازه‌ای است که در مکاشفه‌ها اهمیت می‌یابد و تبدیل به

---

1. The Sibylline Oracles

2. "The Sibylline Oracles", Lanchester (trans.), *Apocrypha and Pseudepigrapha of the Old Testament with Introductions and Critical and Explanatory Notes to the Several Books*, vol.2, R. H Charles (ed.), Oxford, Clarendon Press, 1913, pp.368-406, book II: 310,315.



اوج مشاهدات یک مکاشفه‌گر می‌گردد. پیدایش چنین اعتقاداتی در باورهای یهودی را نیز متأثر از باورهای ایرانی می‌دانند که امشاسپندان به عنوان فرشتگان بزرگ و سایر فرشتگان یا ایزدان از ابتدای شکل‌گیری دین زرتشتی در آن مطرح بوده‌اند و شهود خداوند در عروج‌های ایرانی امری مسلم و تجربه شده است.

### نتیجه‌گیری

همه شواهد بالا حاکی از آن است که بخشی از سنت یهودی در بسیاری از باورهای خود به سراغ نگرش‌های نورفته و از پاسخ‌های کتاب مقدس فاصله گرفته است. این رویکردهای نوین از نظر عامه یهود گاه تا حد بدعت‌هایی در برابر اعتقادات راستین یهودی تلقی شده‌اند. در جستجوی اینکه چرا و چگونه پای چنین باورهایی به سنت یهودی باز شده است، مسأله تأثیر کیش‌های دیگر ما را بر آن می‌دارد تا در میان فرهنگ‌هایی که در تعامل با بنی اسرائیل بوده‌اند به دنبال چنین باورهایی بگردیم. از میان همه فرهنگ‌هایی که تا زمان پیدایش این اعتقادات در بین یهودیان با آنها رابطه داشته‌اند، تنها کیش ایرانی است که بیشترین هماهنگی، توان و امکان را برای چنین تأثیری داراست. سایر فرهنگ‌ها چون بابل، یونان، مصر و روم هیچگاه در حوزه باورهای نظام‌مند دینی از توانایی لازم برای ایجاد چنین تغییر دامنه داری در بینش دینی یهود برخوردار نبوده‌اند. هر چند که گاه ردپایی از این فرهنگ‌ها هم در باورهای یهودی دیده می‌شود، اما دین ایرانی ظاهراً با بیشترین سرمایه در این همکاری فرهنگی شرکت کرده است.

### منابع

- اوستا، گزارش و پژوهش جلیل دوستخواه، چاپ سیزدهم، تهران، مروارید، دوره دو جلدی، ۱۳۸۷.
- زند بهمن یسن، به کوشش و ترجمه محمد تقی راشد محصل، چاپ دوم، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۸۵.
- زهر، آرسی، طلوع و غروب زردشتی‌گری، ترجمه تیمور قادری، تهران، فکر روز، ۱۳۷۵.
- "Apocalypse of Abraham", James H. Charlesworth (trans.), *The Old Testament Pseudepigrapha*, James H. Charlesworth (ed.), Doubleday, New York, 1985.

- "The Apocalypse Of Zephaniah", *The Old Testament Pseudepigrapha*, James H. Charlesworth (ed.), Doubleday & Co., Inc., Garden City, New York, 1983.
- "2 Baruch or The Syriac Apocalypse of Baruch", R. H Charles (trans.), *Apocrypha and Pesudepigrapha of the Old Testament with Introductions and Critical and Explanatory Notes to the Several Books*, vol.2, R. H Charles (ed.), Oxford, Clarendon Press, 1913.
- "3 Enoch or the Hebrew Book of Enoch", [Online], Hugo Odeberg (trans.), *ibid.*
- "The Book of 1 Enoch", R. H Charles (trans.), *ibid.*
- Bryant, Bob, "Introduction and Paraphrase Apocryphon of Ezekiel", [Online], Available in: <http://jewishchristianlit.com/Resources/StudTxs/apocEzek.html>.
- "The Bundahishn ("Creation"), or Knowledge from the Zand", E. W. West (trans.), *Sacred Books of the East*, vol. 5, Oxford University Press, 1897.
- Cohn, N., *Cosmos, Chaos and the World to Come, The Ancient Roots of Apocalyptic Faith*, Yale University Press, 1993.
- Collins, John J., "Apocalypse, An Overview", *Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), Macmillan Pub., New York, 1987.
- "The 4 Ezra", G. H. Box (trans.), *Apocrypha and Pesudepigrapha of the Old Testament with Introductions and Critical and Explanatory Notes to the Several Books*, vol.2, R. H Charles (ed.), Oxford, Clarendon Press, 1913.
- Flusser, David., "Apocalypse", *Encyclopedia Judaica*, F. Skolnik (ed.), Jerusalem, 1971.
- Idem, "Messiah", *Encyclopedia Judaica*, F. Skolnik (ed.), Jerusalem, Second Edition, 1971.
- Grintz, Yehoshua M., "Apocrypha and Pseudepigrapha", *Encyclopaedia Judaica*, F. Skolnik (ed.), Second Edition, 1971.
- Humbach, Helmut, *The Gathas of Zarathushtra and the Other old Avestan Texts*, Heidelberg, 1991.
- Mc Dannel, Calleen & Bernard, Lans, *Heaven :A History*, Yale University Press, 2001.
- Mojtabai, F., "The Iranian Background of the Judeo –Christian Concept of Raz / Mysterion", *Mehr-o- Dad-o- Bahar*, Tehran, Anjoman Asar va Mafakher.

- Moltmann, J., *Theology of Hope*, James W. Leitch (trans.), Harper & Row Pub., New York, 1975.
- "The Sibylline Oracles", Lanchester (trans.), *Apocrypha and Pseudepigrapha of the Old Testament with Introductions and Critical and Explanatory Notes to the Several Books*, vol.2, R. H Charles (ed.), Oxford, Clarendon Press, 1913.
- "Zand-i Vohuman Yasht" , [Online], E. W. West (trans.), *Sacred Books of the East*, vol. 5, Oxford University Press, 1897, Available in: [www.gnosis.org](http://www.gnosis.org).